

شناسایی و تحلیل اثرات مهاجرت بازگشتی بر بازساخت سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان نیشابور)

دریافت مقاله: ۹۸/۶/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۳۰

صفحات: ۳۷۹-۳۹۹

زهرآ سلیمانی: دانشجوی دکتری، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Email: zahra.soleymani@mail.um.ac.ir

مریم قاسمی: استادیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران!

Email: magh30@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

مهاجرت بازگشتی واکنشی به جذابیت‌های به‌وجود آمده در محیط روستا است، این نوع مهاجرت می‌تواند اثرات متنوع و متعددی بر بازساخت نواحی روستایی در ابعاد مختلف داشته باشد. هدف مطالعه حاضر شناسایی و تحلیل اثرات مهاجرت بازگشتی بر بازساخت سکونتگاه‌های روستایی شهرستان نیشابور است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه بوده است. در این مطالعه ۳۷ روستا در شهرستان نیشابور که دارای مهاجر بازگشتی بوده‌اند، مورد بررسی قرار گرفت و ۵۵ اثر مهاجرت بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی در سه بعد اقتصادی با ۲۰، اجتماعی با ۱۹ و کالبدی-محیطی با ۱۶ شاخص شناسایی و در طیف لیکرت کمی گردید. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴۲ بیانگر پایایی مطلوب ابزار تحقیق است. در این مطالعه به‌منظور شناسایی مهم‌ترین اثرات مهاجرت بازگشتی در هر بعد از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. نتایج نشان داد بیشترین تأثیر مهاجران بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی بر بعد اقتصادی با ۷۱،۲۹ درصد واریانس است. ذیل این بعد اثرات اقتصادی مهاجرت بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی به ترتیب: رونق ساخت‌وساز در روستا، رونق فعالیت‌های غیرزراعی، بهبود سطح رفاه، رونق فعالیت‌های کشاورزی، بازساخت اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری دولتی می‌باشد. مهم‌ترین اثرات کالبدی-محیطی مهاجرت بازگشتی با ۶۷،۴۷ درصد واریانس به ترتیب: بهبود زیرساخت‌های روستا، توسعه فیزیکی محیط ساخته‌شده، زیباسازی و بهسازی محیط و توجه بیشتر مدیران به عمران روستا است. همچنین مهم‌ترین اثرات اجتماعی مهاجران بازگشتی با ۶۵،۲۳ درصد واریانس بر بازساخت نواحی روستایی: تقویت مشارکت اجتماعی، افزایش حس تعلق مکانی، ایجاد گشودگی فرهنگی و افزایش جمعیت است.

کلید واژگان: مهاجرت بازگشتی، بازساخت، سکونتگاه‌های روستایی، شهرستان نیشابور.

مقدمه

شکل غالب مهاجرت در کشورهای جهان سوم، از جمله ایران، حرکت یک‌سویه و عموماً بدون بازگشت روستائیان به شهرها می‌باشد، اما طی دهه‌های اخیر، شکل دیگری از مهاجرت با مفهوم جدیدی در الگوهای حرکتی کشور، به‌عنوان مهاجرت بازگشتی^۱ نمود پیدا کرده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶). مهاجرت بازگشتی نوعی از مهاجرت است که "شخص مهاجر بعد از یک دوره اقامت طولانی‌مدت در سرزمین دیگر (مقصد) به سرزمین اولیه خود (مبدأ) بازمی‌گردد" (فیلیپس و پاتر^۲، ۲۰۰۳).

در واقع هرگونه مهاجرت از مادرشهرها به شهرهای بزرگ، از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک، از شهرهای کوچک به روستاها و حتی مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای کوچک و هرگونه مهاجرت از شهرها به روستاها یا از روستاها به روستاهایی که موطن اولیه فرد مهاجر باشد، مهاجرت بازگشتی خوانده می‌شود (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰). این پدیده بیشتر واکنشی نسبت به ایجاد جذابیت در مناطق روستایی قلمداد می‌شود که از طریق ایجاد درآمد در فعالیتهایی مانند دامداری یا کشاورزی، بازنشستگی و گاهی اوقات ناشی از مشکلات زندگی شهری پدید می‌آید (اکپارا^۳ و همکاران، ۲۰۰۱) که معمولاً پس از گذشت یک دوره طولانی از مهاجرت اولیه، مهاجران اقدام به مهاجرت بازگشتی می‌کنند (کانستنت^۴ و همکاران، ۲۰۱۳؛ پاتس^۵، ۲۰۱۰؛ اسکلدون^۶، ۲۰۱۲؛ هیروانن و لیلر^۷، ۲۰۱۵).

پدیده مهاجرت بازگشتی در ایران اگرچه از گذشته وجود داشته، ولی طی دهه اخیر شدت آن افزایش یافته به‌طوری‌که در سه دوره اول سرشماری بعد از انقلاب (۱۳۶۵-۱۳۸۵) مهاجران روستا به شهر به ترتیب ۳۲، ۲۲ و ۲۰ درصد کل مهاجران بوده و از درصد مهاجران از شهر به روستا که به ترتیب ۱۴، ۱۸ و ۱۷ درصد ثبت شده‌اند، بیشتر می‌باشد؛ اما در سرشماری ۱۳۹۰ پیشی گرفتن درصد مهاجران شهر به روستا (۱۵ درصد) از درصد مهاجران روستا به شهر (۱۳ درصد) قابل‌تأمل است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰؛ افراخته و همکاران، ۱۳۹۵). در این مقطع تعداد افرادی که از شهر به روستا مهاجرت کرده‌اند ۷۵۵۵۴۶ نفر و تعداد افرادی که از روستا به شهر مهاجرت داشته‌اند ۶۵۵۲۵۱ نفر می‌باشد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰؛ به نقل از قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع مهاجرت بازگشتی در این دوره برخلاف دوره‌های قبل بیش از ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر از مهاجرت روستا به شهر بوده است.

در این زمینه اقدامات دولت بی‌تأثیر نبوده به‌طوری‌که طی سال‌های اخیر با طرح‌هایی، پدیده مهاجرت بازگشتی گسترش یافته‌است (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰). در این ارتباط می‌توان به ماده ۱۹۴ برنامه پنجم توسعه در بخش توسعه روستایی اشاره کرد که با تدوین سیاست‌هایی تشویقی در جهت مهاجرت برگشتی از شهر به روستا و تثبیت نسبی جمعیت روستایی تأکید شد (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، ۱۳۸۹). این امر مهاجرت بازگشتی را به‌عنوان موضوعی جدی برای مطالعه مطرح ساخت و از آنجاکه هرگونه

1. return migration
2. Phillips, Potter
3. Okpara, et al
4. Constant
5. Potts
6. Skeldon
7. Hirvonen, Lilleør

سیاست‌گذاری و آینده‌نگری در نواحی روستایی با ساختار جمعیت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ارتباط پیدا می‌کند، تحلیل الگوهای جابه‌جایی جمعیت خصوصاً مهاجرت بازگشتی به نواحی روستایی اهمیت به‌سزایی دارد. یکی از زمینه‌هایی که در مهاجرت بازگشتی نیاز به بررسی و تعمق دارد اثرات آن بر بازساخت نواحی روستایی است. با توجه به اینکه تعداد زیادی از روستاهای شهرستان بالتبع شرایط حاکم بر کشور طی ده سال اخیر پذیرای مهاجران بازگشتی عمدتاً از شهر نیشابور و سایر شهرهای شهرستان بوده‌اند. مطالعه حاضر به بررسی اثرات مهاجران بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی می‌پردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، مهاجرت بازگشتی به نواحی روستایی باعث ورود دانش، مهارت، تجربه و افزایش سرمایه انسانی شده و به‌تبع آن، مشارکت اجتماعی و وضعیت اقتصادی را ارتقا می‌دهد. این امر از یک‌سو منجر به توسعه محلی گردیده و از سوی دیگر به دلیل کاهش مهاجرت روستا به شهر، در توسعه نواحی شهری و همچنین رشد و توسعه ملی نیز مؤثر می‌باشد (آندرسن^۱، ۲۰۰۲). از طریق مهاجرت به سکونتگاه‌های روستایی، تحولات مثبت گسترده‌ای در ساختار اقتصادی و اجتماعی روستا به وجود خواهد آمد. لذا پرداختن به پیامدها و اثرات مهاجران بازگشتی بر بازساخت روستا می‌تواند به برنامه‌ریزان در زمینه اتخاذ سیاست‌های مناسب یاری رساند. با توجه به آنچه ذکر شد سؤال اصلی تحقیق بدین‌صورت ارائه می‌شود: مهم‌ترین اثرات مهاجرت بازگشتی بر بازساخت سکونتگاه‌های روستایی شهرستان نیشابور چیست؟

به‌طور کلی مهاجرت بازگشتی فرایندی چندوجهی است که در دهه ۶۰ میلادی مطرح و از دهه ۸۰ به‌طور گسترده‌ای موردتوجه قرار گرفت (کوبات^۲، ۱۹۸۴؛ فارل^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). هرچند در مورد مهاجرت بازگشتی تاکنون مطالعات متعددی انجام‌شده، اما اثر آن بر بازساخت نواحی روستایی تا حدود زیادی نادیده انگاشته شده است. مهاجرت بازگشتی به دلیل اثرات مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی کالبدی که در نواحی روستایی به‌جای می‌گذارد، توسط محققان بسیاری موردبررسی و تحلیل قرار گرفته است که ازجمله آن‌ها می‌توان به جدول (۱) اشاره نمود.

جدول (۱). پیشینه مطالعات انجام‌گرفته در رابطه با مهاجرت بازگشتی

نویسنده و سال انتشار	یافته‌ها
Abramitzky, et al.(2019)	این مطالعه به بررسی وضعیت مهاجرت بازگشتی در کشور نروژ می‌پردازد، نتایج نشان می‌دهد مهاجران بازگشتی مشاغل پردرآمدتری نسبت به افرادی که هرگز مهاجرت نکرده بودند، دارند. همچنین مهاجرانی که بازگشته‌اند درآمدهای خود را پس‌انداز کرده و پس از بازگشت می‌توانند شرایط اقتصادی خود را بهبود بخشند. این مهاجران از پس‌اندازهای خود برای خرید زمین به‌منظور انجام فعالیت‌های کشاورزی استفاده می‌نمایند.
Kureková & Žilínčiková(2018)	مطالعه به بررسی ارزش تجربه کاری مهاجران بازگشتی جوان پرداخته است. داشتن تجربه کاری خارج از محل سکونت اولیه برای جوانانی که بازگشته‌اند یک امتیاز محسوب می‌شود به این صورت که مهاجران جوان بازگشتی نسبت به افرادی که مهاجرت نکرده‌اند به دلیل عواملی مانند سطح تحصیلات، مهارت‌ها و تجربه، توسط شرکت‌ها بیشتر جذب می‌شوند.

1. Andersen
2. Kubat
3. Farrell, et al

<p>در این پژوهش دلایل و ریشه‌های مهاجرت بازگشتی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بازگشت به‌طور عمده با مهاجرت ناموفق همراه است. برای مردان، بازگشت به نتایج ناخوشایند بازار کار در مقصد مهاجرت و برای زنان با طلاق گرفتن مرتبط است.</p>	<p>Hirvonen & Lilleør, (2015).</p>
<p>این مطالعه به تأثیر مهاجران بازگشتی در توسعه زادگاه خود می‌پردازد. مهاجرین علاوه بر وارد کردن کالاهای مادی، شیوه‌های جدید برای تفکر در مورد جهان و پیش‌بینی آینده در زادگاه خود را به همراه آوردند. همچنین افرادی که بازگشته‌اند نه تنها در بهبود اقتصاد محلی و افزایش درآمد تأثیرگذار بوده‌اند بلکه در ارتقای آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، مشارکت انتخاباتی و رفاه عمومی نیز تأثیرگذار بوده‌اند.</p>	<p>Waddell & Fontenla, (2015)</p>
<p>این پژوهش به اهمیت و دلایل مهاجرت شهر به روستا پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که متغیر سن تأثیر زیادی برای اقدام به این نوع مهاجرت دارد. به‌طور کلی افراد جوان (که زندگی و خانواده تشکیل داده‌اند) بیشتر احتمال دارد به مهاجرت از شهر به روستا اقدام نمایند که دلیل این امر سیاست‌های موفق برنامه‌ریزی روستایی و سنت‌های خانواده‌های روستایی کشاورز است.</p>	<p>Stockdale & Catney, (2014)</p>
<p>در این پژوهش به این دلایل متنوعی که منجر به مهاجرت بازگشتی می‌شود، پرداخته شده است. در برخی از مناطق انگیزه مهاجران از بازگشت به وطن خود ایفای نقش مؤثر در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستای خود می‌باشد در حالی که برخی دیگر از مهاجران به دلیل رهایی از انزوا به مهاجرت بازگشتی دست می‌زنند.</p>	<p>Farrell, et al. (2014)</p>
<p>مهاجرت‌های معکوس به دلایل اقتصادی صورت گرفته، اغلب افرادی که به دلایل اقتصادی قادر به زندگی در شهرها نیستند به دلیل هزینه‌های کمتر در روستا اقدام به زندگی در روستا می‌کنند. از طرفی برخی از افرادی که در گذشته بنا به هر دلیلی راهی شهرها شده‌اند امروزه در زمان بازنشستگی خود به روستا بازگشته‌اند. مهاجرت بازگشتی منجر به جریان‌یابی سرمایه از شهر به روستا می‌شود. جریان سرمایه‌های انسانی و مالی به نواحی روستایی در بازساخت جغرافیایی مناطق روستایی تأثیر داشته است. احیای اراضی کشاورزی در روستاها هرچند در سطح اندک نشان‌دهنده مهاجرت برگشتی است؛ اما مهم‌ترین و بیشترین پیامد مهاجرت را می‌توان در بخش کالبدی از جمله تغییر اراضی کشاورزی، ساخت ساز واحدهای مسکونی اشاره نمود که موجب بیشترین تغییر در روستاهای شهرستان رشت شده است.</p>	<p>ملکی و همکاران (۱۳۹۸)</p>
<p>از مهم‌ترین عوامل مهاجرت بازگشتی عامل اقتصادی می‌باشد، به‌طوری‌که دافعه‌هایی مانند از دست دادن شغل در شهر، مشکل تأمین یا اجاره مسکن در شهر و عدم تعادل درآمد و هزینه در شهر و جاذبه‌هایی همچون افزایش درآمدهای کشاورزی و تسهیل امور کشاورزی با مکانیزه شدن آن زمینه‌ای برای بازگشت مهاجران به روستا فراهم ساخته است.</p>	<p>منافی آذر و همکاران (۱۳۹۶)</p>
<p>مهاجران بازگشته ضمن نوسازی مسکن روستایی، به سرمایه‌گذاری و ایجاد مشاغل غیرکشاورزی، توسعه دامپروری صنعتی و غیره پرداخته و در فعالیتهای اجتماعی از جمله حضور در شورای اسلامی روستا نیز مشارکت فعال ایفا کرده‌اند. در نتیجه، مهاجران بازگشته در افزایش سرمایه‌های اجتماعی روستا نیز نقش مثبتی داشته‌اند.</p>	<p>افراخته و همکاران (۱۳۹۵)</p>
<p>علل اصلی شکل‌گیری جریان مهاجرت معکوس در شهرستان بینالود از دیدگاه مهاجران در بعد طبیعی «آب‌وهوای مناسب»، در بعد اقتصادی «ضرورت شغلی و نزدیکی به محل کار» و در بعد اجتماعی «برخوردار بودن روستا از خدمات و امکانات» می‌باشد.</p>	<p>قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)</p>
<p>مهاجرت موقت نیروی جوان روستایی، مهم‌ترین راهبرد به‌کاررفته برای اداره‌ی زندگی بوده‌است و پس از کسب مهارت و بازگشت به نواحی روستایی، تفاوت چشمگیری در سرمایه‌های انسانی، مالی، فیزیکی، اجتماعی و طبیعی افراد بازگشته رخ داده است. مهم‌ترین پیامدهای این نوع از مهاجرت کسب درآمد بیشتر، افزایش رفاه زیستی، کاهش آسیب‌پذیری، بهبود امنیت غذایی، بهبود شأن و منزلت انسانی برای مهاجران بازگشته به روستاها بوده‌است.</p>	<p>مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۰)</p>

مطالعاتی که در زمینه مهاجرت بازگشتی انجام شده‌اند را می‌توان به دو گروه طبقه‌بندی نمود؛ دسته اول مطالعات به دلایل بازگشت مهاجران پرداخته‌اند (فارل^۱ و همکاران، ۲۰۱۴؛ هیروان و لیلر^۲، ۲۰۱۵؛ استاکدال و کانتی^۳، ۲۰۱۴؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳). دسته دوم مطالعات به اثرات مهاجرت بازگشتی در توسعه محلی مناطق روستایی اشاره کرده‌اند (۲۰۱۹؛ آبرامیتسکی^۴ و همکاران، ۲۰۱۹؛ کورکوا و زیلنکیوا^۵، ۲۰۱۸؛ وادل و فونتلا^۶، ۲۰۱۵؛ مطیعی‌لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰؛ منافی‌آذر و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به بررسی مطالعات انجام‌گرفته می‌توان گفت که مهاجران بازگشتی به نواحی روستایی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی- محیطی می‌توانند تأثیرگذار باشند.

مبانی نظری

الف- مهاجرت بازگشتی: مهاجرت به‌طور سنتی با تخلیه دانش یا کاهش سرمایه انسانی در مبدأ (کاتز و استارک^۷، ۱۹۸۴؛ استارک و بایرا^۸، ۲۰۱۲) و با افزایش دانش و تزریق سرمایه انسانی در مقصد همراه است (دوکایر^۹ و همکاران، ۲۰۱۲؛ وهبا و زنون^{۱۰}، ۲۰۱۲). دانشی که مهاجران در خارج به دست می‌آورند، پس از بازگشت، به بازار کار بازمی‌گردد و تأثیرات چندگانه مهمی را در بهبود اقتصادهای محلی می‌گذارد؛ بنابراین، مهاجرت برگشتی را عودت مهارت‌ها، توانایی‌ها و ظرفیت‌های جدید و به‌طور کلی افزایش سرمایه انسانی برای روستا دانسته و بازگشت مغزها در مقابل فرار مغزها پنداشته و انتظار بازده آتی در مبدأ را انگیزه اصلی بازگشت می‌شمارند (زیاسوا و زیمرمن^{۱۱}، ۲۰۱۶). به‌منظور درک مهاجرت بازگشتی، انواع رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا جغرافیایی موردتوجه قرار گرفته‌است (اسمولینر^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۳). به‌طور کلی عوامل مؤثر در رشد مهاجرت‌های بازگشتی عبارت‌اند از:

الف- عوامل اقتصادی: این عوامل عبارت‌اند از درآمد ثابت و دائمی، امنیت شغلی، تعادل شغلی (ترکیبی شامل بخش‌های کشاورزی، تجارت و صنعت)، امکان کسب یک زندگی آزاد و ...

ب- عوامل اجتماعی فرهنگی: مهاجرت از دیدگاه اجتماعی به انگیزه‌های متعددی چون انگیزه‌های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار، تغییر وضعیت زناشویی، انگیزه‌های مربوط به اعضای خانوار، تحمل‌ناپذیر شدن شرایط زیست در مبدأ، تمایل به زندگی در جای دیگر و... مربوط است (مهاجرانی و روستا، ۱۳۹۳).

ج- عوامل زیست‌محیطی و زیرساختی: مانند آلودگی هوا در شهرها، پایین بودن تراکم جمعیتی، آب‌وهوای مناسب، طبیعت و... افزایش امکانات زیربنایی و ارتباطات در نواحی روستایی است (امانپور، ۱۳۹۷).

1. Farrell, et al
2. Hirvonen & Lilleør
3. Stockdale & Catney
4. Abramitzky, et al
5. Kureková & Žilinčíková
6. Waddell & Fontenla
7. Katz & Stark
8. Stark & Byra
9. Docquier, et al
10. Wahba & Zenou
11. Zaiceva & Zimmermann
12. Smoliner, et al

مهاجران بازگشتی را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: افرادی که به خواست خود به مناطق روستایی (بازگشت داوطلبانه) بازمی‌گردند و کسانی که مجبور به بازگشت به مناطق روستایی می‌شوند (بازگشت اجباری). گروه اول به درآمد خانوادگی بالاتر، سرمایه اجتماعی بیشتر و آموزش عالی تمایل دارند (یو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶؛ زاو^۲، ۲۰۰۲). انگیزه آن‌ها برای بازگشت به روستا عمدتاً برای توسعه شخصی یا مراقبت از خانواده است (وانگ و فن^۳، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، اکثر مهاجرانی که از روی اجبار به روستا بازمی‌گردند مسن‌تر، کم‌مهارت‌تر و از نظر معیشتی و سلامتی ضعیف‌تر هستند (لو و کین^۴، ۲۰۱۴؛ وانگ و فن، ۲۰۰۶؛ چن و وانگ^۵، ۲۰۱۹). از دهه ۱۹۶۰ رویکردهای مختلف نظری در مورد مهاجرت بازگشتی مطرح شده است (کاسارینو^۶، ۲۰۰۴). اکتشافات نظری مهاجرت بازگشتی، با گذشت زمان، موجب چگونگی مشخص شدن مفهوم و چگونگی نشان دادن مهاجران بازگشتی شده است. مفهوم‌سازی مهاجرت بازگشتی اغلب با رویکرد نئوکلاسیک بر اساس پاسخ فرد به نیازهای مالی و فرصت‌های اقتصادی در سایر مناطق آغاز می‌شود (کاسارینو، ۲۰۰۴: ۲۰۰۸). در این مورد رویکرد نئوکلاسیک موردانتقاد قرار گرفته است؛ چراکه در اغلب موارد مهاجران در مورد انتظارات مالی و درآمدهای بالاتر در سایر مناطق اشتباه محاسبه می‌کنند (کاسارینو، ۲۰۰۴)؛ بنابراین این رویکرد به مفهوم مهاجران بازگشتی به‌عنوان یک شکست می‌نگرد زیرا این مهاجران در برابر کار خود نتوانسته‌اند نیاز مالی خود را برطرف نمایند (فارل^۷ و همکاران، ۲۰۱۴).

برعکس، نظریه جدید اقتصاد مهاجرت نیروی کار^۸، مهاجرت بازگشتی را به‌عنوان بازگشت دوباره به زادگاه اصلی پس از دوره‌ای موفقیت‌آمیز در بیرون از خانه ارزیابی می‌کند. باین‌حال، این موفقیت براساس افزایش منابع مالی با توجه کمتر به جنبه‌های اجتماعی تصمیم مهاجرین برای بازگشت اندازه‌گیری می‌شود. کاسارینو^۹ (۲۰۰۴) هر دو تئوری NELM و نظریه نئوکلاسیک را به دلیل تأکید بر جنبه‌های مالی مهاجرین برای تصمیم به بازگشت و عدم توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی، موردانتقاد قرار می‌دهد. با در نظر گرفتن این کمبود، کاسارینو رویکرد ساختاری را برای مهاجرت بازگشتی ارائه می‌دهد، پیشنهاد می‌کند که این موضوع بایستی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی و محتوایی و همچنین فردی یا مالی موردبررسی قرار گیرد (هانتز^{۱۰}، ۲۰۱۰).

ب- **بازساخت فضاهای جغرافیایی:** مفهوم بازساخت، از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ موردتوجه متفکران جغرافیا و اقتصاد سیاسی قرار گرفته است؛ اما تحلیل‌های ژرف آن مربوط به دهه ۱۹۸۰ می‌باشد. با توجه به دیدگاه‌ها و رویکردهای متنوع و متفاوت علمی، تاکنون طیف نسبتاً وسیعی از تعاریف نسبت به مفهوم بازساخت مطرح گردیده است. مفهوم متعارف و شناخته‌شده بازساخت، گویای نوعی تغییر کیفی در

1. Yu, et al
2. Zhao
3. Wang & Fan
4. Lu & Qin
5. Chen & Wang
6. Cassarino
7. Farrell, et al
8. The New Economics of Labour Migration (NELM)
9. Cassarino
10. Hunter

سازمان‌دهی اجتماعی از شکلی به شکل دیگر می‌باشد (لورینگ^۱، ۱۹۹۸ نقل در کریم‌زاده، ۱۳۹۳). در واقع بازساخت بیانگر نوعی تغییر از یک وضع به وضع دیگر می‌باشد اما این تغییر کیفی و اساسی است نه کمی و زودگذر. این فرایند فی‌نفسه ماهیت مثبت دارد و حرکتی آگاهانه و اجتماعی از وضع موجود به وضع مطلوب است. هرچند تعاریف متعدد و متفاوتی از بازساخت توسط اندیشمندان علوم مختلف ارائه می‌گردد اما بی‌شک وجه اشتراک تمامی آن‌ها اندیشه‌ای تحول‌گرایانه در روند تغییردهی ساختارهای کهنه اجتماعی-اقتصادی و برپایی ساخت‌های نوین و کارآمد می‌باشد (شکوئی، ۱۳۸۶). لازم به ذکر است که بازساخت ممکن است در مقیاس‌های گوناگون ملی، منطقه‌ای و محلی با حمایت‌های رسمی دولتی و یا به‌صورت خودجوش (مردمی) تحقق یابد.

بازساخت در روند اثرگذاری خود در یک کلیت یا الگوی سازمانی تغییراتی را شامل می‌گردد که در غایت امر در راستای تغییر الگوهای مکانی- فضایی، فضای جغرافیایی جدیدی را می‌آفریند. همچنین "بازساخت به معنای ایجاد تغییر صرف در یک بخش از کلیت نظام نیست، یا مبین آن است که تغییر ایجاد شده الزاماً باید بتواند به سایر بخش‌ها تسری یابد" (هاگارت و پانیاگو^۲، ۲۰۰۱ نقل در کریم‌زاده، ۱۳۹۳).

بازساخت جغرافیایی دارای دوره‌های پررونق اقتصادی و رکود اقتصادی است. در دوره‌های پررونق اقتصادی، نواحی یا ناحیه‌ی مشخص جغرافیایی در یک کشور و یا کشورها به شکوفایی اجتماعی-اقتصادی دست می‌یابند و در دوره‌ی رکود اقتصادی، انتقال سرمایه از آن‌ها به نواحی انتخابی، چرخ‌های اقتصادی و اجتماعی نواحی پررونق سابق را از کار و تحرک بازمی‌دارد. به‌موازات این عمل آگاهانه، کیفیت زندگی مردم به‌شدت آسیب می‌بیند (شکوئی، ۱۳۸۶: ۲۲۱).

ج- اثر مهاجرت بازگشتی بر بازساخت سکونتگاه‌های روستایی: مهاجران بازگشتی در شهرها مهارت‌های شناختی پیچیده‌تری را به دست می‌آورند و یاد می‌گیرند که چگونه فناوری پیشرفته را در روستا بکار گیرند. آن‌ها سبک‌های مدیریتی مختلفی را نسبت به روستاهای زادگاه خود دیده‌اند و پس از بازگشت، این تجمع سرمایه انسانی، آن‌ها را از غیرمهاجرین متمایز می‌کند (هاسمان و ندلکاسکا^۳، ۲۰۱۸). این مهاجران سرمایه‌های انسانی از جمله آموزش، مهارت‌های شغلی و تجارب زندگی را وارد روستا کرده و منجر به بهبود و توسعه وضعیت روستا می‌شوند (Von Reichert et al., 2014).

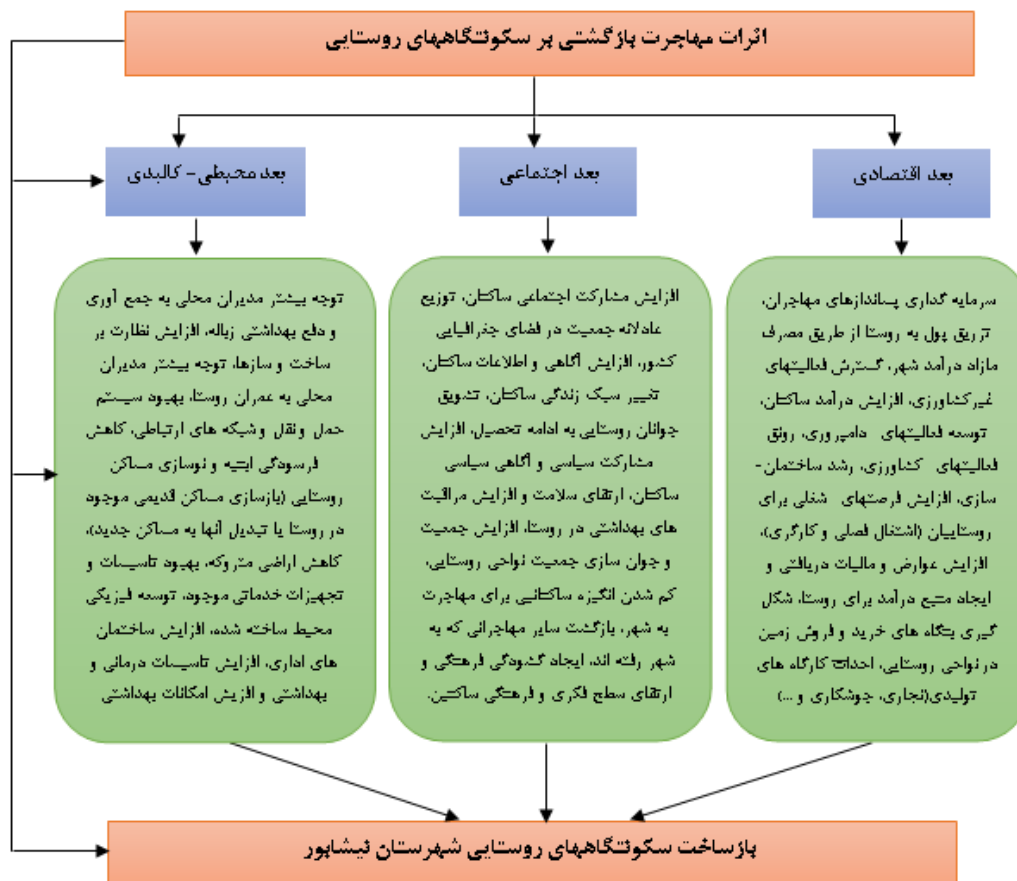
به‌طورکلی مهاجرت‌های معکوس، نه‌تنها جنبه‌های منفی مهاجرت‌های دیگر را ندارند، بلکه می‌توان گفت پدیده‌ای مثبت محسوب می‌شوند که تداوم آن‌ها می‌تواند ضمن کاهش بخشی از مشکلات جامعه شهری، به آبادی و رونق دوباره روستاها و توزیع نسبتاً عادلانه جمعیت در فضای جغرافیایی بیانجامد. گسترش این قبیل مهاجرت‌ها می‌تواند در مبدأ به کاهش جمعیت شهری، کاهش نابسامانی‌های مردم شهرنشین منجر شود و در مقصد نیز اثرات مثبتی از جمله جلوگیری از متروکه شدن روستاها، رونق فعالیت‌های کشاورزی، رشد ساختمان‌سازی و کاهش فرسودگی ابنیه، افزایش نیروی کار روستایی به دنبال خواهد داشت. به‌علاوه مهاجران

1. Levering

2. Hoggart & Paniagua

3. Hausmann & Nedelkoska

بازگشتی به‌طور بالقوه نقش مهمی در آهسته کردن سرعت کاهش جمعیت روستا، جوان‌سازی جمعیت، ایجاد شغل و افزایش سرمایه انسانی، اجتماعی و مالی دارند (یعقوبی و زبیدی، ۱۳۹۷) شکل (۱).



شکل (۱). مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

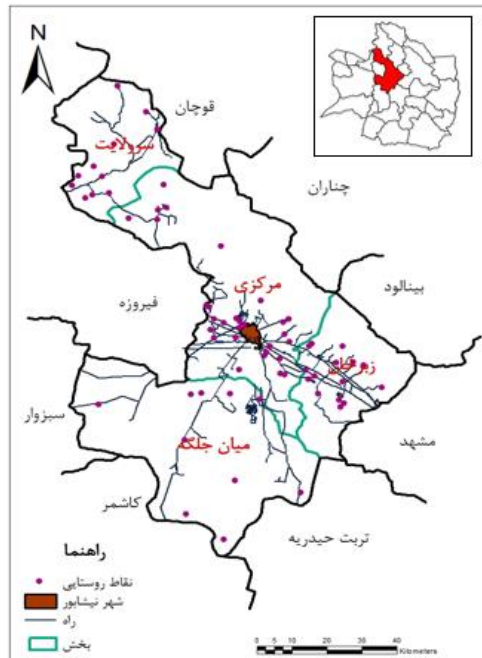
پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است. شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق با توجه به مبانی نظری و مرور مطالعات پیشین و همچنین مطالعات اکتشافی (مصاحبه با خبرگان محلی- دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی) به تفکیک سه بعد شناسایی گردید. عمده سؤالات پرسشنامه در مقیاس رتبه‌ای بر اساس طیف لیکرت (۱ بسیار کم و ۵ خیلی زیاد) طراحی شد. در این مطالعه ۵۵ اثر مثبت مهاجران بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی شناسایی گردید که ضریب آلفای کرونباخ 0.942 ، بیانگر پایایی مطلوب ابزار تحقیق می‌باشد. شاخص‌ها ذیل سه بعد اجتماعی با 19 مؤلفه ($\alpha=0/925$)، اقتصادی با 20 مؤلفه ($\alpha=0/891$) و کالبدی- محیطی با 16 شاخص ($\alpha=0/861$) بررسی شد جدول (۲).

منطقه مورد مطالعه شهرستان نیشابور در استان خراسان رضوی است، این شهرستان با مساحت 9308 کیلومتر مربع دارای چهار بخش (مرکزی، زبرخان، میان جلگه و سرولایت) و 13 دهستان و 433 آبادی دارای

سکنه در سال ۱۳۹۵ بوده است شکل (۲). در این مطالعه پس از مطالعات اکتشافی اولیه تعداد ۳۷ روستا شناسایی گردید که طی ۵ سال گذشته دارای بیش از ۱۰ خانوار مهاجر بازگشتی بوده اند و تمام آن‌ها به‌عنوان واحد تحلیل مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه تحقیق به کمک ۱۱۱ نفر از روستاییان تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل به کمک تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد.

جدول (۲). ابعاد و شاخص‌های اثرات مهاجرت بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی

ابعاد	مؤلفه
بعد اجتماعی	افزایش مشارکت اجتماعی ساکنان، توزیع عادلانه جمعیت در فضای جغرافیایی کشور، افزایش آگاهی و اطلاعات ساکنان، تغییر سبک زندگی ساکنان، تشویق جوانان روستایی به ادامه تحصیل، افزایش مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی ساکنان، ارتقای سلامت و افزایش مراقبت‌های بهداشتی در روستا، افزایش جمعیت و جوان‌سازی جمعیت نواحی روستایی، کم شدن انگیزه ساکنانی برای مهاجرت به شهر، بازگشت سایر مهاجرانی که به شهر رفته‌اند، ایجاد گشودگی فرهنگی و ارتقای سطح فکری و فرهنگی ساکنین، تقویت تعلق مکانی ساکنین به روستا، ارتقاء دانش و آگاهی روستاییان در زمینه ارتباطات و تکنولوژی مثل اینترنت و خدمات بانکی و ...، تغییر نگرش روستاییان در مورد شهر (انتقال سخت بودن زندگی در شهر به روستاییان)، تجدید حیات اجتماعی و رونق زندگی روستایی، گسترش ضوابط و قوانین در نواحی روستا و پایبندی به آن در بین مردم، همدلی مهاجران با اهالی در اداره امور روستا و افزایش انسجام اجتماعی، همیاری با روستاییان در تأمین هزینه‌های عمومی، انتقال دانش و تجربیات مهاجران از شهر و زندگی شهری به روستا / ورود جریان‌های مثبت اجتماعی از شهرها (مانند حفاظت از محیط زیست و ...)
بعد اقتصادی	سرمایه‌گذاری پس‌اندازهای مهاجران، تزریق پول به روستا از طریق مصرف مازاد درآمد شهر، گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی، افزایش درآمد ساکنان، توسعه فعالیت‌های دام‌پروری، رونق فعالیت‌های کشاورزی، رشد ساختمان‌سازی، افزایش فرصت‌های شغلی برای روستاییان (اشتغال فصلی و کارگری)، افزایش عوارض و مالیات دریافتی و ایجاد منبع درآمد برای روستا، شکل‌گیری بنگاه‌های خریدوفروش زمین در نواحی روستایی، احداث کارگاه‌های تولیدی (نجاری، جوشکاری و ...)، افزایش تمایل نسبت به تأسیس تعاونی تولید، افزایش مکانیزاسیون کشاورزی، افزایش تمایل دولت به سرمایه‌گذاری به‌واسطه افزایش جمعیت روستا، افزایش حجم نیروی کار، افزایش معاملات و خریدوفروش، رونق فعالیت‌های غیرکشاورزی و منابع درآمدی مکمل (گسترش فعالیت‌های خدماتی و تجاری و ...)، رواج استفاده از وسایل رفاهی بین روستاییان، تشویق روستاییان به ساخت مسکن و اجاره آن به مهاجران، افزایش حضور زنان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی من جمله گردشگری، بهبود بازاریابی محصولات کشاورزی.
بعد محیطی	توجه بیشتر مدیران محلی به جمع‌آوری و دفع بهداشتی زباله، افزایش نظارت بر ساخت‌وسازها، توجه بیشتر مدیران محلی به عمران روستا، بهبود سیستم حمل‌ونقل و شبکه‌های ارتباطی، کاهش فرسودگی ابنیه و نوسازی مسکن روستایی (بازسازی مسکن قدیمی موجود در روستا یا تبدیل آن‌ها به مسکن جدید)، کاهش اراضی متروکه، بهبود تأسیسات و تجهیزات خدماتی موجود، توسعه فیزیکی محیط ساخته‌شده، افزایش ساختمان‌های اداری، افزایش تأسیسات درمانی و بهداشتی و افزایش امکانات بهداشتی، زیباسازی و به‌سازی محیط روستا، افزایش توجه و حساسیت مردم در زمینه حفاظت از محیط زیست روستا، مشارکت در احیا و بازسازی منابع آبی روستا (لایروبی قنوات، سیمانی کردن انهار و ...)، بهبود و توسعه راه‌های روستا / ساماندهی و بهبود معابر در روستا، بهبود دسترسی به اینترنت در روستاها



شکل (۲). موقعیت جغرافیایی پراکندگی روستاهای مورد مطالعه در شهرستان نیشابور

نتایج

یافته‌های توصیفی تحقیق

مطابق جدول (۳) در ۳۷ روستای مورد بررسی ۱۰۵۳۹ خانوار ساکن هستند که از این تعداد ۱۵۰۸ خانوار (معادل ۴۸۸۲ نفر) مهاجر بازگشتی هستند. از مجموع خانوارهای بازگشتی طی ۵ سال اخیر ۱۰۸۴ خانوار، بومی همان روستا بوده و ۴۲۴ خانوار غیربومی بوده‌اند. عمده مهاجران بازگشتی معادل ۷۲ درصد بومی بوده و به روستای زادگاه خود بازگشته‌اند. بیشترین تعداد خانوار و جمعیت بازگشتی مربوط به روستای قطن آباد با ۲۰۰ خانوار (۱۳۲ خانوار بومی و ۶۸ خانوار غیربومی) معادل ۷۰۰ نفر جمعیت بازگشتی بوده‌است. به‌طور میانگین هر یک از روستاهای مورد بررسی طی ۵ سال اخیر ۴۱ خانوار بازگشتی داشته‌اند. لازم به ذکر است که ۶۰ درصد مهاجران وارد شده به روستاها زوج‌های جوان و ۴۰ درصد بازنشسته می‌باشند. همچنین مهاجرانی که وارد روستا می‌شوند عمدتاً به فعالیت‌های زراعی (زعفران و ...) می‌پردازند. علت اصلی مهاجرت‌های بازگشتی بالابودن هزینه‌های زندگی در شهر و نامناسب بودن وضعیت اقتصادی مهاجران در شهرها و پایین بودن هزینه زندگی در نواحی روستایی عنوان شده است. همچنین ورود زوج‌های جوان به نواحی روستایی می‌تواند در افزایش زادوولد در نواحی روستایی تأثیر بسزایی داشته و در بلندمدت در جذب خدمات و امکانات رفاهی تأثیرگذار باشد.

جدول (۳). ویژگی‌های جمعیتی روستاهای مورد بررسی در شهرستان نیشابور.

نام بخش	نام دهستان	نام روستا	تعداد خانوار	خانوارهای بازگشتی			جمعیت بازگشتی
				تعداد بازگشتی	تعداد بومی	تعداد غیربومی	
شهرستان نیشابور	اردوغش	عبداله‌آباد	۳۵۰	۲۵	۲۲	۳	۹۰
		کلاته ساقی	۷۵	۱۵	۱۳	۲	۴۵
		بوزمهران	۷۰۰	۱۰۰	۷۸	۲۲	۳۵۰
		دهنوشم	۱۱۵	۵۰	۴۸	۲	۱۵۸
	اسحق‌آباد	اسحق‌آباد	۱۵۰	۳۰	۳۰	۰	۱۰۰
		جهان‌آباد	۲۰۰	۲۵	۲۰	۵	۱۵
		دستجردآق‌بزرگ	۳۳۰	۱۰	۸	۲	۲۸
		فخرآباد	۱۰۴	۲۲	۱۰	۱۲	۷۲
	زیرخان	داس	۹۹	۱۰	۹	۱	۳۰
		مجدآباد	۴۵	۱۸	۸	۱۰	۴۰
گرینه		۴۲۶	۵۲	۴۳	۹	۱۶۸	
تیران		۱۰۰	۲۵	۱۵	۱۰	۸۷	
شهرستان سمرقانی	برزنون	خیرآباد	۷۵	۱۰	۱۰	۰	۴۰
		زهان	۲۵۰	۱۵	۱۳	۲	۴۰
	سروالیت	برزنون	۱۱۵۰	۱۵۰	۱۲۵	۲۵	۴۰۰
		چکنه علیا	۱۰۸	۵۰	۴۳	۷	۱۸۲
		اینچگان	۵۲	۱۳	۵	۸	۴۳
		حسن‌آباد	۱۰۰	۱۸	۱۱	۷	۵۳
شهرستان مرکزی	بینالود	سرچاه	۶۵۰	۶۵	۶۵	۰	۱۹۸
		تلی	۱۰۰	۹	۹	۰	۲۷
	قاضی	محمودآبادفضل	۸۸	۱۲	۷	۵	۴۲
		فرخک	۴۸۰	۵۰	۳۳	۱۷	۱۷۶
	فضل	حمیدآباد	۳۱۰	۵۰	۳۷	۱۳	۱۵۰
		ادگ	۱۶۰	۱۸	۱۱	۷	۶۲
		رود	۱۰۰	۲۰	۵	۱۵	۷۵
		ده حلاج	۴۰۰	۱۷۸	۱۵۲	۲۶	۵۷۴
	مازول	قطن‌آباد	۶۲۰	۲۰۰	۶۸	۱۳۲	۷۰۰
		ده نوخالسه	۸۰۰	۱۱۰	۶۲	۴۸	۳۵۴
بشنج		۳۵۰	۳۰	۱۷	۱۳	۱۱۰	
میرآباد		۸۵۶	۲۰	۲۰	۰	۷۵	
عیش‌آباد		۸۵	۱۷	۱۰	۷	۷۸	
حاجیان		۴۰	۸	۶	۲	۳۲	
شهرستان چکمه‌ساران	بلهرات	ارپه	۷۵	۱۵	۱۰	۵	۴۲
		چنداب	۳۱۵	۲۰	۲۰	۰	۸۱
	عشق‌آباد	امیرآباد	۴۵	۱۲	۱۰	۲	۵۰
		شوررود	۳۳۶	۲۶	۲۳	۳	۶۸
		قاسم‌آباد	۳۰۰	۱۰	۸	۲	۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵

یافته‌های استنباطی تحقیق

به‌منظور شناسایی مهم‌ترین اثرات مهاجرت بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی به تفکیک سه گروه اثرات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی محیطی مهاجرت بازگشتی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. با توجه به آماره کیزرمایر و بارتلت کفایت در هر سه گروه مدل در حد متعادلی مورد تأیید است ($\text{sig.} \leq 0/05$) جدول (۴).

جدول (۴). عوامل استخراج‌شده، مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی واریانس

Sig.	آزمون بارتلت	کیزرمایر	اثرات مهاجرت بازگشتی
۰,۰۰۰	۶۸۱,۸	۰,۷۰۴	اثرات اقتصادی
۰,۰۰۰	۶۷۸,۳	۰,۸۶۰	اثرات اجتماعی
۰,۰۰۰	۴۹۱,۴	۰,۸۰۳	اثرات کالبدی-اکولوژیکی

در این تحلیل برای استخراج مؤلفه‌ها از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۱ و برای دوران عامل‌ها از دوران واریماکس^۲ استفاده شد. همان‌طور که ذکر شد در این مدل ۵۵ اثر مهاجرت بازگشتی ذیل سه بعد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - محیطی مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل عاملی وجه مشترک بین متغیرها با توجه به واریانس مشترک بین آن‌ها شناسایی و بر این اساس عوامل نام‌گذاری می‌شوند (لطیفی، سعدی و شعبانعلی، ۱۳۹۲).

الف- اثرات اقتصادی مهاجرت بازگشتی بر بازساخت روستایی: در بعد اقتصادی مجموع ۲۰ اثر شناخته‌شده ذیل ۶ مؤلفه قرار گرفت که مجموعاً ۷۱/۲۹ درصد از مجموع واریانس را توضیح داده است که درصد مورد قبول و بالایی به شمار می‌آید مؤلفه‌های شناسایی شده به ترتیب شامل:

۱- رونق ساخت‌وساز در روستا: این مؤلفه به‌تنهایی با ۳۳/۱۰ درصد واریانس مهم‌ترین اثر اقتصادی مهاجرت بازگشتی بر روستاهای مورد بررسی است. بدیهی است اولین نیاز برای مهاجران بازگشتی مسکن است، به همین دلیل با شکل‌گیری مهاجرت بازگشتی شاهد تشویق روستائیان به ساخت مسکن و اجاره آن به مهاجران، شکل‌گیری بنگاه‌های خریدوفروش زمین در نواحی روستایی، رشد ساختمان‌سازی، ساخت‌وساز مهاجران در روستا و افزایش معاملات خریدوفروش در نواحی روستایی مورد مطالعه هستیم.

۲- رونق فعالیت‌های غیرزراعی در نواحی روستایی: این مؤلفه با ۹/۵۹ درصد واریانس دومین اثر اقتصادی مهاجرت بازگشتی در روستاهای مورد بررسی است. با ورود مهاجران و رشد ساخت‌وساز، فعالیت‌های متنوع اقتصادی در بخش‌های صنعت و خدمات در روستاهای مقصد افزایش یافته است. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به بنایی، کارگری، جوشکاری، نجاری و ... اشاره نمود. رونق این فعالیت‌ها باعث افزایش فرصت‌های شغلی غیرزراعی در روستا و تنوع‌بخشی منابع درآمدی ساکنان گردیده‌است.

۳- بهبود سطح رفاه: این مؤلفه با ۸/۸۱ درصد واریانس سومین اثر اقتصادی مهاجرت بازگشتی در روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. ورود مهاجران به نواحی روستایی شهرستان نیشابور از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی

1. Principal Component Analysis.

2. Varimax with Kaiser Normalization.

متنوع منجر به افزایش درآمد روستاییان گردیده که نمود آن افزایش استفاده از وسایل رفاهی مانند توانایی خرید وسایل نقلیه شخصی و... طی سال‌های اخیر است.

۴- رونق فعالیت‌های کشاورزی: این مؤلفه با ۷/۸۷ درصد واریانس چهارمین اثر اقتصادی مهاجران بازگشتی در روستاهای مورد مطالعه است. ورود مهاجران به نواحی روستایی به روش‌های مختلف از جمله رواج فعالیت‌های غیرکشاورزی و فروش محصولات کشاورزی و دامی و ... منجر به افزایش درآمد و نقدینگی روستاییان شده و روستاییان مزاد درآمدهای حاصله را صرف توسعه فعالیت‌های دام‌پروری و کشاورزی کرده‌اند.

۵- بازساخت اقتصادی: این مؤلفه با ۶/۵ درصد واریانس پنجمین اثر اقتصادی مهاجران بازگشتی در روستاهای مورد مطالعه است. مهاجران بازگشتی به نواحی روستایی از یک‌سو منجر به افزایش حجم نیروی کار شده و از سوی دیگر در افزایش حضور زنان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی شده است. این امر فعالیت‌های اقتصادی مانند گردشگری را در روستا رونق داده که در بازساخت اقتصادی روستاهای مورد مطالعه تأثیر بسزایی دارد (جدول ۵).

۶- افزایش سرمایه‌گذاری دولتی: مؤلفه افزایش سرمایه‌گذاری دولتی با ۵/۲ درصد واریانس از جمله اثرات اقتصادی مهاجرت بازگشتی در روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. با توجه به اینکه در سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های اجتماعی توسط دولت رسیدن به آستانه جمعیتی اهمیت زیادی دارد، ورود مهاجران بازگشتی به روستاهای مورد بررسی منجر به افزایش جمعیت روستاها شده که همین عامل دولت را به سرمایه‌گذاری در روستاهای مذکور ترغیب کرده است.

جدول (۵). مهم‌ترین اثرات اقتصادی مهاجرت بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی

اثرات	همبستگی	متغیر
رونق ساخت‌وساز درصد واریانس: ۳۳,۱۰ مقدار ویژه: ۶,۶۳	۰/۸۴۵	تشویق روستاییان به ساخت مسکن و اجاره آن به مهاجران
	۰/۷۵۳	شکل‌گیری بنگاه‌های خریدوفروش زمین در نواحی روستایی
	۰/۷۲۳	رشد ساختمان‌سازی
	۰/۶۵۱	سرمایه‌گذاری مهاجران در روستا در قالب ساخت‌وساز
	۰/۴۰۲	افزایش معاملات خریدوفروش در روستا
رونق فعالیت‌های غیرزراعی درصد واریانس: ۹,۵۹ مقدار ویژه: ۱,۹۲	۰/۸۴۶	رونق فعالیت‌های غیرکشاورزی و منابع درآمدی مکمل در روستا
	۰/۷۰۹	افزایش فرصت‌های شغلی برای روستاییان (اشتغال فصلی و کارگری)
	۰/۶۷۳	گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی در روستا
	۰/۵۲۵	احداث کارگاه‌های تولیدی در روستا (نجاری، جوشکاری و ...)
بهبود سطح رفاه درصد واریانس: ۸,۸۱ مقدار ویژه: ۱,۷۷	۰/۸۷۸	افزایش درآمد مردم روستا
	۰/۷۷۰	رواج استفاده از وسایل رفاهی بین روستاییان
	۰/۶۱۰	افزایش عوارض و مالیات دریافتی و ایجاد منبع درآمد برای روستا
رونق فعالیت‌های کشاورزی درصد واریانس: ۷,۸۷ مقدار ویژه: ۱,۵۷	۰/۵۶۷	بهبود بازاریابی محصولات کشاورزی
	۰/۵۱۳	توسعه فعالیت‌های دام‌پروری در روستا
	۰/۴۸۱	افزایش مکانیزاسیون کشاورزی
	۰/۴۵۶	رونق فعالیت‌های کشاورزی
بازساخت اقتصادی	۰/۷۲۷	افزایش تمایل نسبت به تأسیس تعاونی تولید در روستا

افزایش حضور زنان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی من جمله گردشگری	۰/۷۲۶	درصد واریانس: ۶،۵
افزایش حجم نیروی کار در روستا	۰/۶۴۲	مقدار ویژه: ۱،۳
افزایش تمایل دولت به سرمایه‌گذاری در روستا به واسطه افزایش جمعیت روستا	۰/۸۱۷	افزایش سرمایه‌گذاری دولتی درصد واریانس: ۵،۲

Extraction Method: Principal Component Analysis. Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.

ب- اثرات اجتماعی مهاجرت بازگشتی بر بازساخت روستایی: در بعد اجتماعی مجموع ۱۹ اثر شناخته‌شده ذیل ۴ مؤلفه قرار گرفت که مجموعاً ۶۵،۲۳ درصد از مجموع واریانس را توضیح داده است که درصد موردقبول و بالایی به شمار می‌آید جدول (۶).

۱- تقویت مشارکت اجتماعی: این مؤلفه ۴۳/۳۲ درصد واریانس اثرات اجتماعی مهاجران بازگشتی در نواحی روستایی مورد مطالعه است. همدلی مهاجران با اهالی در اداره امور روستا و افزایش انسجام اجتماعی، گسترش ضوابط و قوانین در نواحی روستا و پایبندی به آن در بین مردم، همیاری با روستاییان در تأمین هزینه‌های عمومی، افزایش مشارکت اجتماعی مردم روستا، افزایش مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی مردم روستا، تجدید حیات اجتماعی و رونق زندگی روستایی، تغییر سبک زندگی مردم روستا در روستاهای مورد مطالعه منجر به افزایش انسجام اجتماعی روستاییان شده است.

۲- افزایش حس تعلق مکانی: مؤلفه افزایش حس تعلق مکانی با ۹/۵۲ درصد واریانس، دومین اثر اجتماعی مهاجران بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی است. مهاجران با بازگشت به روستا و انتقال تجربه زیسته خود از زندگی در شهر بر نگرش روستائیان در مورد مهاجرت به شهر اثر گذاشته و باعث تقویت تعلق مکانی ساکنین به روستا تأثیر بسزایی داشته‌اند.

۳- ایجاد گشودگی فرهنگی: این مؤلفه با ۷/۰۹ درصد واریانس سومین اثر اجتماعی مهاجران بازگشتی به روستاها بوده‌است. مهاجران بازگشتی از طریق ارتقاء دانش و آگاهی روستائیان در زمینه ارتباطات و تکنولوژی مثل اینترنت و خدمات بانکی و ... باعث ایجاد گشودگی فرهنگی و ارتقای سطح فکری و فرهنگی ساکنین شده‌اند.

۴- افزایش جمعیت روستا: این مؤلفه با ۵/۲۹ درصد واریانس چهارمین اثر اجتماعی مهاجران بازگشتی است. بازگشت مهاجران به روستاهای مورد مطالعه در توزیع عادلانه جمعیت، افزایش جمعیت روستاها و جوان‌سازی جمعیت روستاهای مورد مطالعه تأثیر داشته است.

جدول (۶). مهم‌ترین اثرات اجتماعی مهاجرت بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی

اثرات	همبستگی	متغیر
تقویت مشارکت اجتماعی درصد واریانس: ۴۳،۳۲ مقدار ویژه: ۸،۲۳	۰/۷۹۲	همدلی مهاجران با اهالی در اداره امور روستا و افزایش انسجام اجتماعی
	۰/۷۲۸	گسترش ضوابط و قوانین در نواحی روستا و پایبندی به آن در بین مردم
	۰/۶۹۶	همیاری با روستاییان در تأمین هزینه‌های عمومی
	۰/۶۵۳	افزایش مشارکت اجتماعی مردم روستا
	۰/۶۵۳	افزایش مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی مردم روستا
	۰/۶۰۷	تجدید حیات اجتماعی و رونق زندگی روستایی

	۰/۵۴۱	تغییر سبک زندگی مردم روستا
افزایش حس تعلق مکانی درصد واریانس: ۹,۵۲ مقدار ویژه: ۱,۸۱	۰/۷۸۳	تغییر نگرش روستائیان در مورد شهر (انتقال سخت بودن زندگی در شهر به روستائیان)
	۰/۷۴۹	تقویت تعلق مکانی ساکنین به روستا
	۰/۷۲۳	بازگشت سایر مهاجرانی که به شهر رفته‌اند
	۰/۶۵۵	انتقال دانش و تجربیات مهاجران از شهر و زندگی شهری به روستا
	۰/۵۹۲	کم شدن انگیزه مردم روستایی برای مهاجرت به شهر
ایجاد گشودگی فرهنگی درصد واریانس: ۷,۰۹	۰/۸۲۶	افزایش آگاهی و اطلاعات مردم روستا
	۰/۷۷۱	ارتقاء دانش و آگاهی روستائیان در زمینه ارتباطات و تکنولوژی مثل اینترنت و خدمات بانکی و...
	۰/۶۹۴	ایجاد گشودگی فرهنگی و ارتقای سطح فکری و فرهنگی ساکنین
	۰/۴۷۵	ارتقای سلامت و افزایش مراقبت‌های بهداشتی در روستا
افزایش جمعیت روستا درصد واریانس: ۵,۲۹	۰/۷۲۶	توزیع عادلانه جمعیت در فضای جغرافیایی کشور
	۰/۵۹۸	افزایش جمعیت روستا و جوان‌سازی جمعیت نواحی روستایی
	۰/۴۵۷	تشویق جوانان روستایی به ادامه تحصیل

پ- اثرات محیطی - کالبدی مهاجرت بازگشتی بر بازساخت روستایی: در بعد محیطی - کالبدی مجموع ۱۶ اثر شناخته‌شده ذیل ۴ مؤلفه قرار گرفت که مجموعاً ۶۷/۴۷ درصد از مجموع واریانس را توضیح داده است که درصد موردقبول و بالایی به شمار می‌آید جدول (۷).

۱- بهبود زیرساخت‌های روستا: مؤلفه بهبود زیرساخت‌های روستا با ۳۳/۶۰ درصد واریانس مهم‌ترین اثر محیطی - کالبدی مهاجران بازگشتی است. در بسیاری از روستاهای مورد مطالعه ورود مهاجران در بهبود زیرساخت‌های روستا از جمله بهبود و توسعه راه‌ها، افزایش دسترسی به اینترنت، افزایش تأسیسات درمانی، تجهیزات خدماتی و سیستم حمل‌ونقل تأثیر بسیاری گذاشته است.

۲- توسعه فیزیکی محیط ساخته‌شده روستا: این مؤلفه با ۱۸/۱۲ درصد واریانس دومین اثر محیطی - کالبدی مهاجران بازگشتی در روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. ورود مهاجران به نواحی روستایی شهرستان نیشابور تقاضا برای مسکن را افزایش داده و اراضی متروکه روستا کاهش یافته است. نوسازی مسکن روستایی و کاهش فرسودگی ابنیه و افزایش نظارت بر ساخت‌وسازها در روستا همگی بر توسعه فیزیکی محیط ساخته شده و کیفیت آن اثرگذار است.

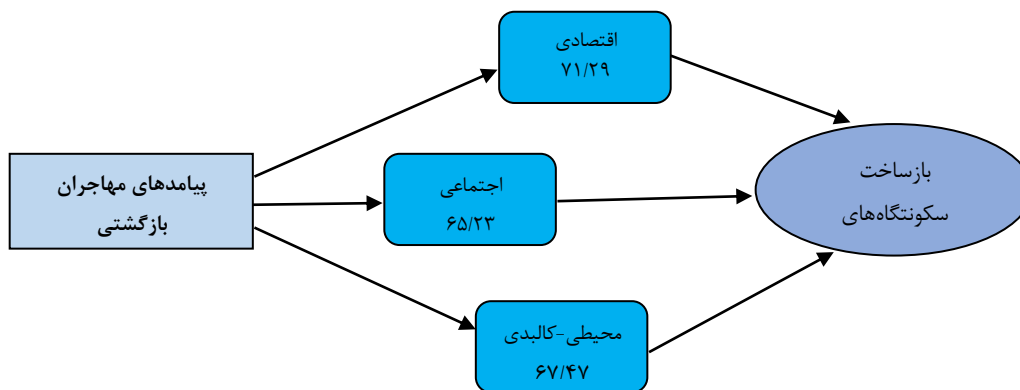
۳- زیباسازی و بهسازی محیط روستا: مؤلفه زیباسازی و بهسازی محیط روستا با درصد واریانس ۹/۱۸ سومین اثر کالبدی - محیطی ورود مهاجران به نواحی روستایی شهرستان نیشابور بوده است. بازگشت مهاجران به روستاها باعث افزایش جمعیت شده همین امر توجه و حساسیت مردم را نسبت به حفاظت از محیط‌زیست روستا افزایش داده که در بهسازی محیط روستا تأثیر بسزایی داشته است.

۴- توجه بیشتر مدیران به عمران روستا: این مؤلفه نیز یکی دیگر از اثرات کالبدی - محیطی ورود مهاجران به نواحی روستایی مورد مطالعه است. ورود مهاجران منجر به افزایش جمعیت روستاها شده و همین امر باعث توجه بیشتر مدیران محلی به عمران روستا از جمله جمع‌آوری زباله و دفع بهداشتی زباله شده است.

در مجموع همان گونه که در شکل (۳) مشاهده می شود، مهاجرات بازگشتی بر بازساخت اقتصادی با ۷۱،۲۹ درصد، بر بازساخت محیطی کالبدی با ۶۷،۴۹ درصد و بازساخت اجتماعی با ۶۵،۲۳ درصد واریانس تبیین شده اثرگذار بوده است.

جدول (۷). مهم ترین اثرات کالبدی- محیطی مهاجرت بازگشتی بر بازساخت نواحی روستایی

اثرات	همبستگی	متغیر
بهبود زیرساخت های روستا درصد واریانس: ۳۳،۶۰ مقدار ویژه: ۵،۳۸	۰/۸۰۱	بهبود و توسعه راه های روستا /ساماندهی و بهبود معابر در روستا
	۰/۷۵۳	افزایش تأسیسات درمانی و بهداشتی و افزایش امکانات بهداشتی
	۰/۷۳۴	مشارکت در احیا و بازسازی منابع آبی روستا
	۰/۷۲۵	بهبود تأسیسات و تجهیزات خدماتی موجود در روستا
	۰/۷۱۹	بهبود سیستم حمل و نقل و شبکه های ارتباطی
	۰/۷۰۷	افزایش ساختمان های اداری
	۰/۶۶۳	بهبود دسترسی به اینترنت در روستاها
توسعه فیزیکی محیط ساخته شده روستا درصد واریانس: ۱۸،۱۲ مقدار ویژه: ۲،۹	۰/۸۶۴	کاهش اراضی متروکه در روستا
	۰/۸۰۵	کاهش فرسودگی ابنیه و نوسازی مسکن روستایی
	۰/۷۲۱	توسعه فیزیکی محیط ساخته شده در روستا
	۰/۴۲۹	افزایش نظارت بر ساخت وسازها در روستا
زیباسازی و بهسازی محیط روستا درصد واریانس: ۹،۱۸	۰/۹۰۹	افزایش توجه و حساسیت مردم در زمینه حفاظت از محیط زیست روستا
	۰/۸۸۱	زیباسازی و بهسازی محیط روستا
توجه بیشتر مدیران محلی به عمران روستا درصد واریانس: ۶،۵۵	۰/۶۷۷	توجه بیشتر مدیران محلی به عمران روستا
	۰/۶۵۴	توجه بیشتر مدیران محلی به جمع آوری و دفع بهداشتی زباله



شکل (۳). اثرات مهاجرت های بازگشتی بر بازساخت سکونتگاه های روستایی

نتیجه گیری

جابه جایی انسان ها برای بقای حیات، سابقه ای به قدمت انسان دارد و پویایی رابطه انسان با مکان، در قلب پدیده مهاجرت قرار گرفته است. در سال های گذشته مهاجرت روستاییان به شهرها تبعات منفی بسیاری هم برای نواحی روستایی و هم برای نواحی شهری داشته است؛ اما امروزه در بسیاری از روستاهای کشور شاهد مهاجرت بازگشتی به نواحی روستایی هستیم که این نوع مهاجرت در نواحی روستایی شهرستان نیشابور نیز دیده

می‌شود. به دنبال مهاجرت‌های روستا-شهری سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و اجتماعی روستا از فضاهای روستایی به سوی مناطق شهری گسیل می‌شود، اما مهاجرت‌های بازگشتی سرمایه‌های مالی و انسانی را به نواحی روستایی وارد می‌کنند و حتی در بسیاری از موارد مهاجرت‌های بازگشتی در بهبود خدمات و امکانات روستایی نقش بسزایی داشته است. در واقع مهاجران بازگشتی گروه‌های اجتماعی با تأثیرگذاری بالایی هستند که با ورودشان به نواحی روستایی می‌توانند ساختار فضایی-مکانی روستاها را دگرگون سازند. در واقع مهاجرت از جمله مهاجرت بازگشتی، پیامدهای مختلفی در مبدأ و مقصد به‌جای می‌گذارد و عدم توجه به پیامدهای جابه‌جایی جمعیتی به شکست برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی منجر خواهد شد. از این‌رو توجه به این مسئله برای برنامه ریزان نواحی روستایی دارای اهمیت بسیاری می‌باشد. لذا پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی اثرات مهاجرت بازگشتی در بازساخت سکونتگاه‌های روستایی شهرستان نیشابور پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون تحلیل عاملی نشان داد که اثرات مهاجرت بازگشتی در بازساخت سکونتگاه‌های روستایی شهرستان نیشابور در ۳ بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی - کالبدی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ورود مهاجران بازگشتی بیشترین تأثیر را (با ۷۱,۲۹ درصد واریانس) بر بازساخت روستاهای مورد مطالعه دارد. در توضیح این عامل باید اشاره کرد که اثرات اقتصادی مهاجران بازگشتی ذیل ۶ مؤلفه رونق ساخت‌وساز در روستا، رونق فعالیت‌های غیرزراعی، بهبود سطح رفاه، رونق فعالیت‌های کشاورزی، بازساخت اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری دولتی تقسیم‌بندی می‌شود. مهاجران بازگشتی از طریق ورود سرمایه‌های مالی و انسانی تأثیر بسزایی در رونق فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی در روستاهای مورد مطالعه داشته‌اند. بعد محیطی - کالبدی (با ۶۷,۴۷ درصد واریانس) دومین عاملی است که در نواحی روستایی مورد مطالعه از مهاجران بازگشتی تأثیر پذیرفته است. اثرات محیطی - کالبدی نیز در قالب مؤلفه‌های بهبود زیرساخت‌های روستا، توسعه فیزیکی محیط ساخته‌شده، زیباسازی و بهسازی محیط و توجه بیشتر مدیران به عمران روستا بر بازساخت سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه تأثیر گذاشته است. سومین بعدی که از ورود مهاجران بازگشتی تأثیر پذیرفته است بعد اجتماعی (با ۶۵,۲۳ درصد واریانس) می‌باشد. تقویت مشارکت اجتماعی، افزایش حس تعلق مکانی، ایجاد گشودگی فرهنگی و افزایش جمعیت از جمله مؤلفه‌های بعد اجتماعی می‌باشند که بر بازساخت سکونتگاه‌های روستایی در نتیجه ورود مهاجران تأثیر گذاشته‌اند. نتایج این تحقیق با Abramitzky, et al. (2019) و منافی آذر و همکاران (۱۳۹۶) در مورد اثرات مهاجران بازگشتی بر بهبود و رونق فعالیت‌های اقتصادی همسو می‌باشد. از طرفی نیز با نتایج پژوهش ملکی و همکاران (۱۳۹۶) در مورد تأثیر مهاجران بازگشتی بر بازساخت سکونتگاه‌های همراستا می‌باشد.

به‌طورکلی می‌توان گفت که در سال‌های اخیر مهاجرت‌های روستایی تأثیر بسزایی در رونق و بازساخت جغرافیایی نواحی روستایی داشته است. در واقع مهاجران قسمتی از دارایی‌های اقتصادی خود را به روستا بازمی‌گردانند؛ بازگشت سرمایه‌های انسانی، مهارت، تجربه و سرمایه‌های مالی به‌نوعی فرایند چرخه‌ای می‌باشد که ابتدا از روستا به شهر و سپس به روستا در نتیجه مهاجرت‌های بازگشتی بازمی‌گردد. از این‌رو به‌منظور حفظ نواحی روستایی و نقش تولیدی این نواحی برنامه‌ریزی برای بازگشت مهاجران بسیار ضروری و بااهمیت می‌باشد.

منابع

- افراخته، حسن؛ منافی آذر، رضا؛ ولائی، محمد. (۱۳۹۵). اثرات مکانی فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۵(۱): ۸۳-۹۸.
- امانپور، سعید. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مهاجرت برگشتی (مورد شناسی: بخش مرکزی شهرستان دزفول)، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۲، ۳۷-۶۰.
- ربانی، رسول، طاهری، زهرا، روستا، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی-اقتصادی (مطالعه موردی مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲(۵): ۸۳-۱۰۸.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۶). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا جلد اول، چاپ سوم، انتشارات: گیتاشناسی.
- قاسمی، مریم؛ جوان، جعفر؛ صابری، زهرا. (۱۳۹۳). تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۴(۱۶): ۲۷-۱۵.
- کریم زاده، معصومه (۱۳۹۳)، تبیین مکانی فضایی راهبردهای اسکان مجدد مؤثر بر بازساخت کشاورزی در روستاهای زلزله‌زده نمونه موردی: دهستان زیرکوه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی حاجی نژاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان.
- مهاجرانی، علی‌اصغر؛ روستا، زهرا. (۱۳۹۳). بررسی مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی و سیاسی در روستاهای شهرستان‌های تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران ۱۳۸۵-۱۳۹۰. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دانشگاه دهقان، ۵(۱۳): ۱۹۴-۱۶۷.
- منافی آذر، رضا؛ عبدالمهدی، عبدالله؛ علیزاده، تیمور؛ ولائی، محمد؛ قاسمی اردهانی. (۱۳۹۵). مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن بر سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش باروق شهرستان میاندوآب)، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲(۱): ۱۷۳-۱۹۲.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، (۱۳۸۹).
- مطیعی لنگرودی، حسن؛ قدیری معصوم، مجتبی؛ رضوانی، محمدرضا؛ نظری، عبدالحمید؛ صحنه، بهمن. (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق‌قلا)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۸، ۶۷-۸۳.
- ملکی، زهرا؛ مولایی هاشجین، نصراله؛ قرشی میناآباد، محمدباسط. (۱۳۹۸). اثرات و پیامدهای مهاجرت معکوس در تحولات محیطی-اکولوژیکی و کالبدی روستاهای ساحلی شهرستان رشت، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۱)، ۶۳۵-۶۵۶.
- یعقوبی، جعفر؛ زبیدی، طاهره. (۱۳۹۷). بررسی انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود-استان زنجان. پژوهش‌های روستایی، ۹(۲)، ۱۹۶-۲۰۹.
- Abramitzky, R., Boustan, L., & Eriksson, K. (2019). **To the new world and back again: Return migrants in the age of mass migration**, *ILR Review*, 72(2): 300-322. <https://doi.org/10.1177/0019793917726981>.

- Alarcón, S., & Ordóñez, J. (2015). **Ecuador: return from migration and entrepreneurship in Loja**, CEPAL Review, 117, 65-81.
- Andersen, L. E. (2002). **Rural-Urban migration in Bolivia: Advantages and disadvantages**, Universidad Catholic Boliviana, Lapaz, Bolivia. (No. 05/02). Documento de Trabajo.
- assarino J. P. (2008). **Conditions of Modern Return Migrants – Editorial Introduction**, International Journal on Multicultural Societies, 10(2): 95–105. <https://doi.org/10.1.1.615.980>.
- Cassarino J. P. (2004). **Theorising Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited**, International Journal on Multicultural Societies, 6(2): 253–279. <https://ssrn.com/abstract=1730637>.
- Chen, H., & Wang, X. (2019). **Exploring the relationship between rural village characteristics and Chinese return migrants' participation in farming: Path dependence in rural employment**, Cities, 88, 136-143. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.01.016>.
- Constant, A. F., Nottmeyer, O., & Zimmermann, K. F. (2013). **The economics of circular migration**. In: **International handbook on the economics of migration** (p. 55).
- Docquier, F., Rapoport, H., & Salomone, S. (2012). **Remittances, migrants' education and immigration policy: Theory and evidence from bilateral data**, Regional Science and Urban Economics, 42(5): 817-828. <https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2011.10.005>.
- Farrell M., Mahon M, McDonagh J. (2012). **The Rural as a Return Migration Destination**, European Countryside, 4(1): 31–44. <https://doi.org/10.2478/v10091-012-0012-9>.
- Farrell, M., Kairytė, E., Nienaber, B., McDonagh, J., & Mahon, M. (2014). **Rural return migration: Comparative analysis between Ireland and Lithuania**, Central and Eastern European Migration Review, 3(2), 127-149.
- Hausmann, R., & Nedelkoska, L. (2018). **Welcome home in a crisis: Effects of return migration on the non-migrants' wages and employment**, European Economic Review, 101, 101-132. <https://doi.org/10.1016/j.euroecorev.2017.10.003>.
- Hirvonen, K., & Lilleør, H. B. (2015). **Going back home: internal return migration in rural Tanzania**, World Development, 70, 186-202. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2015.01.007>.
- Hoggart, K., & Paniagua, A. (2001). **What rural restructuring?**, Journal of rural studies, 17(1): 41-62. [https://doi.org/10.1016/S0743-0167\(00\)00036-X](https://doi.org/10.1016/S0743-0167(00)00036-X) <https://doi.org/10.1111/ruso.12024>.
- Hunter A. (2010). **Theory and Practice of Return Migration at Retirement: the Case of Migrant Worker Hostel Residents in France**, Population, Space and Place, 17(2): 179–192. <https://doi.org/10.1002/psp.610>.
- Katz, E., & Stark, O. (1984). **Migration and asymmetric information: Comment**, American Economic Review, 74(3): 533–534. <http://links.jstor.org/sici?sici=0002-8282%281984...O%3B2-U&origin=repec>.
- Kubat D. (1984). **The Politics of Return. International Return Migration in Europe**, Proceedings of the First European Conference on International Return Migration, Rome, 11–14 November 1981. New York: Centre for Migration Studies.

- Kureková, L. M., & Žilinčíková, Z. (2018). **What is the value of foreign work experience for young return migrants?**, *International Journal of Manpower*, **39(1)**: 71-92. <https://doi.org/10.1108/IJM-04-2016-0091>.
- Levering, J. (1989). **The restructuring debate**, *New models in geography*, 1, 198.
- Lu, Y., & Qin, L. (2014). **Healthy migrant and salmon bias hypotheses: a study of health and internal migration in China**, *Social science & medicine*, 102, 41-48. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2013.11.040>.
- Morse, C. (2017). **The emotional geographies of global return migration to Vermont**, *Emotion, Space and Society*, 25, 14-21. <https://doi.org/10.1016/j.emospa.2017.09.007>.
- Okpara, E., Okali, D. & Olawoye, J. (2001). **The Case of Aba and its Region, Southeastern Nigeria**, Working Paper Series on Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies, Working Paper 4, Human Settlements Programmed IIED, 3 End Sleigh Street, London, WC1H 0DD.
- Phillips, J. L., & Potter, R. B. (2003). **Social dynamics of foreign-born and young returning nationals to the Caribbean: a review of the literature**. Department of Geography, University of Reading.
- Potts, D. (2010). **Circular migration in Zimbabwe & contemporary SubSaharan Africa**. Woodbridge, UK: Boydell & Brewer.
- Skeldon, R. (2012). **Going round in circles: Circular migration, poverty alleviation and marginality**, *International Migration*, **50(3)**: 43-60. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2435.2012.00751.x>.
- Stockdale, A., & Catney, G. (2014). **A life course perspective on urban-rural migration: The importance of the local context**. *Population, Space and Place*, **20(1)**: 83-98. <https://doi.org/10.1002/psp.1758>.
- Smoliner S., Förschner M., Hochgerner J., Nová J. (2013). **Comparative Report on Re-Migration Trends in Central and Eastern Europe**, in: T. Lang. (ed.), *Return Migration in Central Europe: Current Trends and an Analysis of Policies Supporting Returning Migrants*, pp. 11-57. IfL Forum 21. Leipzig: Leibniz-Institut für Länderkunde.
- Stark, O., & Byra, L. (2012). **A back-door brain drain**, *Economics Letters*, **116(3)**: 273-276. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2012.03.002>.
- Stockdale, A., & Catney, G. (2014). **A life course perspective on urban-rural migration: The importance of the local context**, *Population, Space and Place*, **20(1)**: 83-98. <https://doi.org/10.1002/psp.1758>.
- Vega, L. A. A. (2014). **Return migration from the United States to rural areas of Campeche and Tabasco**, *Migraciones Internacionales*, **7(4)**: 101-135.
- Von Reichert, C., Cromartie, J. B., & Arthun, R. O. (2014). **Impacts of Return Migration on Rural US Communities**, *Rural Sociology*, **79(2)**: 200-226.
- Waddell, B. J., & Fontenla, M. (2015). **The Mexican Dream? The effect of return migrants on hometown development**, *The Social Science Journal*, **52(3)**: 386-396. <https://doi.org/10.1016/j.soscij.2015.02.003>.
- Wahba, J., & Zenou, Y. (2012). **Out of sight, out of mind: Migration, entrepreneurship and social capital**, *Regional Science and Urban Economics*, **42(5)**: 890-903. <https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2012.04.007>.

- Wang, W. W., & Fan, C. C. (2006). **Success or failure: selectivity and reasons of return migration in Sichuan and Anhui, China**, *Environment and Planning*, **38**(5): 939-958. <https://doi.org/10.1068/a37428>.
- Wang, Z. C., Yang, W. G. (2013). "**Self-employment or wage-employment? On the occupational choice of return migration in rural China**", *China Agricultural Economic Review*, **5**(2): 231 – 247. <http://dx.doi.org/10.1108/17561371311331115>.
- Yu, L., Yin, X., Zheng, X., & Li, W. (2017). **Lose to win: entrepreneurship of returned migrants in China**, *The Annals of Regional Science*, **58**(2): 341-374. <https://doi.org/10.1007/s00168-016-0787-0>.
- Zaiceva, A., & Zimmermann, K. F. (2016). **Returning home at times of trouble? Return migration of EU enlargement migrants during the crisis**, In *Labor migration, EU enlargement, and the great recession* (pp. 397-418). Springer, Berlin, Heidelberg. https://doi.org/10.1007/978-3-662-45320-9_16.
- Zhao, Y. (2002). **Causes and consequences of return migration: recent evidence from Chin**, *Journal of Comparative Economics*, **30**(2): 376-394.